

بزرگ رویدادی که خراسان شمالی ها «آفرین» از رهبر گرفتند

# روزی که بجنورد روی آنتن خبری جهان بود



**اسدی** - مهر برای بخوردی ها نه بهتر بگیریم برای خراسان شمالی ها ماه متفاوتی است؛ یادآور روزهای تاریخی سفر باره است.

روزهایی که استان حال و هوای دیگری داشت. ۱۹ مهر سالروز سفر مقام معظم رهبری به خراسان شمالی است، روزی فراموش نشدنی که رنگ عشق دارد. خاطرات شهروندان در پاییز سال ۹۱ پر است از خاطرات رنگارنگ و زیبایی که به گفته آن ها هیچ گاه از ذهن شان پاک نمی شود.

**شب روشن**

رسولی، یکی از این شهروندان است، او می گوید: خاطرات آن روزها و شب ها به یاد ماندنی است، از یک هفته قبل شهر در تکیوی آماده شدن بود، شب قبل از ورود حضرت آقا به استان، بجنورد حال و

هوای دیگری داشت. این شهوند با بیان این که آن شب ساکنان محله مان جمع شدیم و ا... اکبر گفتیم، ادامه می دهد: آن شب ما تا نزدیک صبح در میدان شهید بونیم و نور افشانی های را که به میمنت ورود بار انجام می شد تماشا می کردیم. شهر آن شب بسیار شادو



نزدیک تر شوم و چهره رخشان ایشان را ببینم. او می گوید: تنها دست ایشان را دیدم، فرزندم پس از خلوت تر شدن با رزانه کود گانه پرسید چرا من چیزی ندیدم، سپس دخترم را به خانه برگرداندم، اما او همچنان گنگجاو بود و مرب آب من سوال می کرد تا جایی که عکس آقا را به نشان دادم.

بعد از ظهر روز بعد اتفاقی افتاد که هنوز هم باعث جاری شدن اشک هایم می شود. ساعت ۵ بعد از ظهر بود که در خانه را زدند، وقتی در را باز کردم، ۳ مرد با لباس های مرتب پشت در ایستاده بودند.

گفتند از طرف دفتر رهبری برای دیدن دخترم آمده اند. باور نمی کردم، کارت شناسایی شان را نشان داندند و وارد خانه شدند. این شهروند با گفتن خاطراتش ادامه می دهد: خواهر هسمر در خانه ما بود هر دو بسیار متعجب و بهت زده شده بودیم.

آن ها گفتند به نمایندگی از رهبری با چند نفر از مددجویان بهزیستی ملاقات می کنند و نیم ساعت مهمان ما بودند. با دختر ۵ ساله ام صحبت کردند و هدیه ای را که از طرف دفتر رهبری آورده بودند به او دادند.

او می گوید: این بخشی از خاطرات مهم زندگی ماست که هیچ گاه فراموش نمی کنم. دخترم تصویر زیبایی از آن روزها دارد و الا آن که بزرگتر شده است گاهی با افتخار به مکتلایی هایلی می گوید رهبر او را دوست دارد و برایش فردی را به خانه آن ها فرستاده است.

**به دنبال یک شاه‌کل**

یکی از جوانان هم خاطره زیبایی دارد. او که به بعد از ظهر روز بعد اتفاقی افتاد که هنوز هم باعث جاری شدن اشک هایم می شود. ساعت ۵ بعد از ظهر بود که در خانه را زدند، وقتی در را باز کردم، ۳ مرد با لباس های مرتب پشت در ایستاده بودند.

گفتند از طرف دفتر رهبری برای دیدن دخترم آمده اند. باور نمی کردم، کارت شناسایی شان را نشان داندند و وارد خانه شدند. این شهروند با گفتن خاطراتش ادامه می دهد: خواهر هسمر در خانه ما بود هر دو بسیار متعجب و بهت زده شده بودیم.

آن ها گفتند به نمایندگی از رهبری با چند نفر از مددجویان بهزیستی ملاقات می کنند و نیم ساعت مهمان ما بودند. با دختر ۵ ساله ام صحبت کردند و هدیه ای را که از طرف دفتر رهبری آورده بودند به او دادند.

او ادامه می دهد: نزدیک فرودگاه تازه به این تینجه رسیدیم که ای کاش شاه‌کل با خودمان آورده بودیم تا تقدیم رهبری کنیم چون بسیاری از مردم با خود شاه‌کل های گل داشتند، به همین دلیل وارد یکی از کوچه ها شدیم و با دوستم در چند خانه را زدیم تا ببینیم می توانیم شاه‌کل پیدا کنیم یا نه؟

جالب این بود که در آن وقت روز کسی ما را به خاطر مزاحمت توبیخ و تنبیه نکرد و همه با روی گشاده و خندان با ما برخورد می کردند.

روی را ادامه خاطراتش اضافه می کند: بالاخره در حیاط یکی از خانه های قدیمی نزدیک فرودگاه چند شهدایی دیدیم که هنوز گل داشتند، صاحب خانه پسرزنی بود که با مهربانی چند شاخه گل شهدایی به ما داد.

بوجد، ادامه می دهد: ساعت ۶ از خواب بیدار شدم و با دوستم صورت های مان را رنگ کردیم و ساعت ۷ به خیابان رفتیم و به سمت فرودگاه حرکت کردیم. از خیابان شهید صفا هر چقدر به سمت فرودگاه نزدیک تر می شدیم جمعیت بیشتر می شد و بسیاری در پیاده رو ها نشسته بودند.

او ادامه می دهد: نزدیک فرودگاه تازه به این تینجه رسیدیم که ای کاش شاه‌کل با خودمان آورده بودیم تا تقدیم رهبری کنیم چون بسیاری از مردم با خود شاه‌کل های گل داشتند، به همین دلیل وارد یکی از کوچه ها شدیم و با دوستم در چند خانه را زدیم تا ببینیم می توانیم شاه‌کل پیدا کنیم یا نه؟

جالب این بود که در آن وقت روز کسی ما را به خاطر مزاحمت توبیخ و تنبیه نکرد و همه با روی گشاده و خندان با ما برخورد می کردند.

روی را ادامه خاطراتش اضافه می کند: بالاخره در حیاط یکی از خانه های قدیمی نزدیک فرودگاه چند شهدایی دیدیم که هنوز گل داشتند، صاحب خانه پسرزنی بود که با مهربانی چند شاخه گل شهدایی به ما داد.

بوجد، ادامه می دهد: ساعت ۶ از خواب بیدار شدم و با دوستم صورت های مان را رنگ کردیم و ساعت ۷ به خیابان رفتیم و به سمت فرودگاه حرکت کردیم. از خیابان شهید صفا هر چقدر به سمت فرودگاه نزدیک تر می شدیم جمعیت بیشتر می شد و بسیاری در پیاده رو ها نشسته بودند.



نشسته بودم و زیبایی های آمدن رهبر تماشا می کردم. فکر نمی کنم تا کنون تصویری به این زیبایی آن روزها را به خوبی به یاد دارم، موج جمعیت رهبر را همراهی کردیم.

**شیرینی انتظار**

یکی از بانوان شهر که با به میانسالی گذاشته است، می گوید: خانه مان در مسیر عبور خودروی رهبری قرار داشت، از صبح زود جلوی در خانه را آب و جارو از جوانان چغیه هایی بر دوش شان داشتند و بسیاری در حال نوشتن دادداشت هایی برای رهبر شان بودند.

او می گوید: ساعت های انتظار سخت بود اما به خیابان خوشبو شده بود و شهر آن شهر سابق نبود. شیرینی داشت.

آن انتظار و لحظه دیدار زیباترین خاطرات من است، چند هسالیه بالاتر بساط شیرینی و شربت نذری به پا کرده بودند و دهان مردم منتظر را به شیرینی می کردند.

او ادامه می دهد: عطر اسپند و گلاب تمام خیابان را که به بخور می رهبر نزدیک شدیم، چهره شان را که پرچم کشور را در دست داشتند. من مقابل خانه خورشید در شهر.

**آکره اسعدی**

### عشق و وظیفه در دیدار با خورشید

پرمهرشان به مردمی که به استقلال‌شان آمده بودند، هرگز از هفتم پاک نمی‌شد. مهرایی و معنویت خاصی در چهره‌شان بود. از این که این همه تحت تأثیر چهره دانشین، مهریان و پر از آراش ایشان قرار گرفته بودم، تعجب کردم. حس می‌کردم بیشتر از همیشه برای دیدن شان بی‌تاب هستم.

ایشان مقابل چشمانم با خودرو به سرعت نزدیک به صفر در حال حرکت بودند و من همچنان نشنه دیدار. جمعیت مشتاق اجازه ندادند این دیدار بیش از سه ثانیه طول بکشد ولی فقط خدا حال من و امثال مرا در آن لحظه‌ها درک می‌کرد.

مسیر ۱۰ دقیقه‌ای فرودگاه تا استادیوم بیش از ۲ ساعت به‌طول انجامید. جمعیت اجازه حرکت را به خودرو نمی‌داد. در تمام مسیر مردم برای خبر مقدم‌گویی و استقبال از رهبر عظیم‌الشان مان حضور داشتند.

چه حال خوبی است وقتی می‌بینی مردم از زمین تا چگونه جان بر کف رهبر و فتدای شان هستند. مردم استان من، آن‌روز سنگ تمام گذاشتند نه برای این که کسی از آن‌ها خواسته باشد، آن‌ها عاشق بودند، عاشق رهبر و متدانشان. آمده بودند تا عشق و ارادت شان را به نمایش بگذارند و عجب صحنه‌ای ساخته بودند

با این حضور خیره‌کننده شان. به رسیدن خودروی حامل رهبر انقلاب با استادامه‌نختی، مأموریت من هم تمام شد ولی به اندازه‌ای تحت تأثیر هیجان جمعیت داخل و بیرون از استادیوم بودم که درجای خود می‌گنجد شد و مردم را تماشا می‌کردم. مردمی که اصلای نمی‌رسید. فریادها بلندتر و اشتیاق فرا رسیده، روزی که هرگز از خاطر مردم برای دیدار بیشتر می‌شد. نمی‌دانم به چه فکر می‌کردم که اعلام شد هواپیما حامل رهبر رهبر انقلاب به زمین نشسته است. واقعی که عاشق‌ها غنق بودند. نمی‌دانم در آن روزها ترواستم عمق احساس و هیجان مردم را روی کاغذ خبر بیابوریا نه؟ ولی می‌دانم سفر رهبر انقلاب به خراسان‌شالی در نوزدهم مهرماه سال ۹۱ قطعاً و یقیناً بهترین خاطره عمر کاری ام در عرصه روزنامه‌نگاری باقی خواهد ماند. سایه بر مهر ایشان بر سران‌مستدام باده آمین.

## گزارشی

پنج‌شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۷ | اول‌صفر ۱۴۴۰ | شماره ۲۸۲۰

**یادداشت**

### عشق و وظیفه در دیدار با خورشید

پرمهرشان به مردمی که به استقلال‌شان آمده بودند، هرگز از هفتم پاک نمی‌شد. مهرایی و معنویت خاصی در چهره‌شان بود. از این که این همه تحت تأثیر چهره دانشین، مهریان و پر از آراش ایشان قرار گرفته بودم، تعجب کردم. حس می‌کردم بیشتر از همیشه برای دیدن شان بی‌تاب هستم.

ایشان مقابل چشمانم با خودرو به سرعت نزدیک به صفر در حال حرکت بودند و من همچنان نشنه دیدار. جمعیت مشتاق اجازه ندادند این دیدار بیش از سه ثانیه طول بکشد ولی فقط خدا حال من و امثال مرا در آن لحظه‌ها درک می‌کرد.

مسیر ۱۰ دقیقه‌ای فرودگاه تا استادیوم بیش از ۲ ساعت به‌طول انجامید. جمعیت اجازه حرکت را به خودرو نمی‌داد. در تمام مسیر مردم برای خبر مقدم‌گویی و استقبال از رهبر عظیم‌الشان مان حضور داشتند.

چه حال خوبی است وقتی می‌بینی مردم از زمین تا چگونه جان بر کف رهبر و فتدای شان هستند. مردم استان من، آن‌روز سنگ تمام گذاشتند نه برای این که کسی از آن‌ها خواسته باشد، آن‌ها عاشق بودند، عاشق رهبر و متدانشان. آمده بودند تا عشق و ارادت شان را به نمایش بگذارند و عجب صحنه‌ای ساخته بودند

با این حضور خیره‌کننده شان. به رسیدن خودروی حامل رهبر انقلاب با استادامه‌نختی، مأموریت من هم تمام شد ولی به اندازه‌ای تحت تأثیر هیجان جمعیت داخل و بیرون از استادیوم بودم که درجای خود می‌گنجد شد و مردم را تماشا می‌کردم. مردمی که اصلای نمی‌رسید. فریادها بلندتر و اشتیاق فرا رسیده، روزی که هرگز از خاطر مردم برای دیدار بیشتر می‌شد. نمی‌دانم به چه فکر می‌کردم که اعلام شد هواپیما حامل رهبر رهبر انقلاب به زمین نشسته است. واقعی که عاشق‌ها غنق بودند. نمی‌دانم در آن روزها ترواستم عمق احساس و هیجان مردم را روی کاغذ خبر بیابوریا نه؟ ولی می‌دانم سفر رهبر انقلاب به خراسان‌شالی در نوزدهم مهرماه سال ۹۱ قطعاً و یقیناً بهترین خاطره عمر کاری ام در عرصه روزنامه‌نگاری باقی خواهد ماند. سایه بر مهر ایشان بر سران‌مستدام باده آمین.

## آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

۹۷/۵/۳۰ و ۶۰۲-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۶۶۰-۹۶ و ۴۵۹-۹۶ هیات

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۵۵- اصلی اراضی کهنه کند**

۱- شش‌دانگ یکباب دامداری از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۲۸۵۸/۳۵ متر مربع ابتدای ۱- برات صفائی قهرمانلو به میزان ۴ دانگ مشاع از شش‌دانگ و آقایان ۲- نورا... و ۳- مهدی صفائی قهرمانلو هر کدام نسبت به یک و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ از محل مالکیت ثبتی حسن نیازز مقدم فرزند نجف و جهانگیر زارعی فرزند شکر... برابر رأی شماره ۶۷۹-۹۷، ۶۸۰-۹۷، ۶۸۱-۹۷ مورخه ۹۷/۶/۶ کلاسه ۵۶۳-۹۴، ۵۶۴-۹۴، ۵۶۵-۹۴، ۵۶۵-۹۴ هیات

۲- شش‌دانگ یکباب محوطه و انباری از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۵۴/۸۶ متر مربع ابتدای آقای براتعلی شگریان کیکالو از محل مالکیت ثبتی رضا حامدی فرزند عبدالعلی برابر رأی شماره۵۳۴-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۲۷ کلاسه ۶۶۸-۹۶ هیات

۳- شش‌دانگ یکباب ساختمان از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۲۰۹/۲۸ متر مربع ابتدای آقای رحمان باغچئی از محل مالکیت ثبتی قربان علی آبادی فرزند محمد برابر رأی شماره۹۶-۹۶ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۲۳۳-۹۶ هیات

۴- شش‌دانگ یکباب ساختمان از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۶۲

متر مربع ابتدای آقای بهنام علی زاده از محل مالکیت ثبتی موسی ضیعی فرزند عباسعلی برابر رأی شماره ۶۶۱۸-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۴۰۰-۹۶ هیات

۵- شش‌دانگ یکباب ساختمان از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۲۱۱/۹۶متر مربع ابتدای خانم سکینه هجرتی از محل مالکیت ثبتی حسن زعفرانی فرزند محمد خان برابر رأی شماره ۵۹۹-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۲۸۴-۹۶ هیات

۶- شش‌دانگ یکباب خانه از پلاک- فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۱۳/۹۵ متر مربع ابتدای آقای امید نظری از محل مالکیت ثبتی عباسقلی باغچئی برابر رأی شماره ۶۰۸-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۳۰۳-۹۷ هیات

۷- شش‌دانگ یکباب دامداری از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۵۹۹/۶۰ متر مربع ابتدای آقای صدق علی برزونی از محل مالکیت ثبتی حسن نیازز مقدم و جهانگیر زارعی برابر رأی شماره۸۵۵-۹۷ مورخه ۹۷/۲/۱۹ کلاسه ۵۶۸-۹۶ هیات

۸- شش‌دانگ یکباب خانه از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۶۶/۵۸ متر مربع ابتدای آقا خجه محمد دژوان از محل مالکیت ثبتی غلام باغچئی برابر رأی شماره۶۱۰-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۴۰۴-۹۱ هیات

۹- شش‌دانگ یکباب منزل از پلاک- فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۸۲/۱۳ متر مربع ابتدای آقای ایرج زعفرانی از محل مالکیت ثبتی محمد قلی زعفرانی فرزند محمد برابر رأی شماره ۶۱۱-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۶۶۵-۹۵ هیات

۱۰- شش‌دانگ یکباب خانه از پلاک - فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۹۵/۶۷ متر مربع ابتدای آقای فرزاد رستگاری از محل مالکیت ثبتی احمد ضیعی فرزند محمد برابر رأی شماره۶۱۳-۱۳۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۶۴۴-۹۶ هیات

۱۱- شش‌دانگ یکباب خانه از پلاک ۳۵۹۷ فرعی از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۱۷/۷۶ متر مربع ابتدای آقای محمدیار ساعدی از محل مالکیت ثبتی امیدنوروزی برابر رأی شماره ۶۱۴-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۵۷۵-۹۶ هیات

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۶۳- اصلی اراضی پنبه زار**

۱- شش‌دانگ یکباب منزل از پلاک ۹۰۷ فرعی از پلاک ۱۶۳ اصلی فوق به مساحت ۱۸۸/۵۲ متر مربع ابتدای آقای محسن آذری از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رأی شماره ۶۱۷-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۸۷۸-۹۴ هیات

۲- شش‌دانگ یکباب ساختمان از پلاک ۹۰۷ فرعی از پلاک ۱۶۳ اصلی فوق به مساحت ۱۶۸ متر مربع ابتدای خانم مرگان صفدری و آقای سعید احمدی از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رأی شماره ۵۴۲-۹۷، ۵۴۱-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۲۷ کلاسه ۶۲۵-۹۶ و ۶۲۶-۹۶ هیات

۳- شش‌دانگ یکباب انباری از پلاک۹۰۷ فرعی از پلاک۱۶۳ اصلی فوق به مساحت۱۶۸ متر مربع ابتدای آقای نوری از محل مالکیت ثبتی شهر داری بجنورد برابر رأی شماره۵۴۴-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۲۷ کلاسه ۷۲۰-۹۶ هیات

۴- شش‌دانگ یکباب ساختمان از پلاک ۹۰۷ فرعی از پلاک ۱۶۳ اصلی فوق به مساحت ۱۶۸ متر مربع ابتدای آقای نبی ... محزون از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رأی شماره ۶۱۲-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۲۰۱-۹۶ هیات

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۶۴- اصلی اراضی حصار شیر علی**

۱- شش‌دانگ یکباب مغازه از پلاک ۶۴۰۰ فرعی از پلاک ۱۶۴ اصلی فوق به مساحت ۵۳/۶۰ مترمربع ابتدای آقای هادی شیر غلامی و خانم مریم نودهی از محل مالکیت ثبتی هادی شیر غلامی و مریم نودهی برابر رأی شماره ۶۲۰-۹۷ و ۶۱۹-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۳۰ کلاسه ۶۳-۹۷ و ۵۸-۹۷ هیات

۲- شش‌دانگ محوطه انباری ادحائی به صورت انباری از پلاک ۱۶۹ فرعی از پلاک ۱۶۴ اصلی فوق به مساحت ۲۹۳/۲۱ متر مربع ابتدای خانم راحله رشید و عفت جلالی بجنوردی از محل مالکیت ثبتی عبدالعلی جلالی بجنوردی برابر رأی شماره ۶۳۸۳-۹۶ و ۳۴۵۵-۹۶ مورخه ۹۶/۸/۲ و رأی اسلامی شماره ۵۴۵-۹۷ و ۵۴۶-۹۷ مورخه ۹۷/۵/۲۷ کلاسه ۸۱۰-۹۲ و ۸۱۱-۹۲ هیات

۳- شش‌دانگ یکباب منزل از پلاک ۱۵۶ فرعی از پلاک ۱۶۴ اصلی فوق به مساحت ۵۹/۳۰ متر مربع ابتدای آقای علی اصغر تیموری از محل مالکیت ثبتی عزت و مملکت و جهان شهرت همگی سامی برابر رأی شماره ۷۹۶-۹۷ مورخه ۹۷/۲/۱۹ کلاسه ۸۶۴-۹۵ و ۸۶۳-۹۵ هیات

۴- شش‌دانگ یکباب مغازه از پلاک ۶۴۰۰ فرعی از پلاک ۱۶۴ اصلی فوق به مساحت ۵۷/۸۱ متر مربع ابتدای خانم معصومه اخوین از محل مالکیت ثبتی شخص متقاضی برابر رأی شماره ۹۷/۶۷۸ مورخه